پیشخوان

نگاهی به سلطان گل زرد

حضور وقایع غایب

■ هلیا آبادی ■

افسانه‌ها آن قدر به دنیای کودکان و نوجوانان نزدیک است که اغلب بدون اینکه کاری به محتوا یا فرم افسانه‌ای داشته باشند، بر آن برچسب کودکان و نوجوانان می‌زنند و بسیاری بر این گمانند که «افسانه» ژانری است کودکانه و نوجوانانه. این گمان البته چندان هم بیراه نیست. برخی از منتقدان و پژوهشگران به بحث درباره رابطه افسانه و کودکان و نوجوانان پرداخته اند و این پرسش را پیش کشیده اند که «افسانه ها چرا مورد استقبال بچه ها قرار می گیرد؟»

برای این پرسش، پاسخ های متعددی داده شده است و در میان پاسخ ها به ساختار ساده افسانه ها اشاره کرده‌اند و به خط پررنگی که میان ویژگی های آدم های افسانه است و برخی این بحث را پیش کشیده اند که افسانه ها مربوط به کودکی انسان است و به همین خاطر با کودکان ارتباط برقرار می کند.

افسانه ها همواره یکی از ژانرهای پرمخاطب ادبیات کودکان بوده‌اند، با این همه این ژانر بی‌مخالف هم نبوده و در دوره‌ای از تاریخ ادبیات تحت تاثیر علم باوری، افسانه ها با خرافه یکسان پنداشته شده و به عنوان ژانری طردشده از سوی عده‌ای از منتقدان معرفی شده است، اما چندان طولی نکشیده است که چنین مخالفت هایی رنگ باخته است. اما همین مخالفت ها تاثیری از خود در ادبیات جهان بر جای نهاده است که نمی توانیم از نقش آن در آفرینش داستان های فانتاستیک، غفلت کنیم.

یکی از بزرگ ترین تاثیرات چنین نقدهایی، تحول در ژانر افسانه است. اگر در گذشته نویسندگانی چون برادران گریم به جمع آوری و بازنویسی افسانه ها می پرداختند، نویسندگانی رفته رفته به این نتیجه رسیدند که می توان در ساختار و روایت افسانه ها نیز تغییراتی به وجود آورد و به آفرینشی دست زد، چیزی که از آن به عنوان «بازآفرینی» در مقابل بازنویسی یاد می شود. در ایران اگرچه از اصطلاح «بازآفرینی» بسیار استفاده شده است اما آثاری که بتوانیم بی دغدغه بر پیشانی شان این اصطلاح را چسبانیم بسیار اندکند. در سال های اخیر می توانیم از رمان «من و پارسیان» نام ببریم که نویسنده بیشتر از اینکه افسانه ها را مدنظر داشته باشد به بازآفرینی رمانی بر اساس اسطوره های ایرانی یا درست تر بگوییم تاریخ اسطوره های ایران دست زده است. محمدرضا یوسفی نیز تجربه‌ای پیش از او در این زمینه داشته است اما آنچه به بحث ما نزدیک باشد، اثر جعفر توزندجانی «افسانه سه پادشاه» است که در کتاب سال پکا از آن تقدیر شد.

با این مقدمه می خواهم به کتاب تازه‌ای اشاره کنم که در این حوزه منتشر شده است؛ «سلطان گل زرد» نوشته الهه رهرونیا. سلطان گل زرد اولین تجربه الهه رهرونیا در حوزه رمان نوجوان است که توسط نشر مرکز منتشر شده است. در این رمان نویسنده افسانه شاه‌مار را دستمایه‌ای برای نوشتن رمانی در ۱۷۶ صفحه قرار داده است. افسانه شاه‌مار در اصل بسیار کوتاه است. افسانه ها روایتی کلی دارند که در آن جزئیات نقش چندانی ندارد. با آوردن جمله‌ای یا حتی گاه کلمه‌ای بسیاری از اتفاقات مهم که در پیشبرد ماجراها نیز می تواند نقشی داشته باشد، عبور می شود. نویسنده در سلطان گل زرد، به همین جاهای خالی توجه کرده است و «از وقایع غایب در اصل افسانه» سخن گفته است. حضور وقایع غایب باعث شده است که تصویری نو از داستانی قدیمی آفریده شود.

در روزگاران قدیم، خارکنی در بیرون از شهر با دخترش زندگی می کرد که به جای ازدواج و رفتن به خانه بخت، یار و همراه پدر بود. پدر روزی در میان بوته‌های خار، ماری می بیند و این مار شاهزاده دیوهاست و برای نویسنده بهانه‌ای برای راه یافتن به جهان دیوها. در روایت رهرونیا از این افسانه نیز مثل بیشتر افسانه ها با پایانی خوش روبه‌رویم و از زندگی خوش و خرم دیوها و آدم ها در کنار هم سخن گفته می شود. این زندگی خوش و خرم که در افسانه های ایرانی وجهه شخصی و در انحصار قهرمانان داستان است در روایت رهرونیا جنبه‌ای عمومی‌تر به خود می گیرد و به همان آرزوی قدیمی بشر را می برد، به همان آرمانشهری که اندیشمندان بسیاری از آن گفته اند و نوشته اند. نویسنده می کوشد روایتی شاعرانه ارائه کند، روایتی شاعرانه و متناسب با حال و هوای افسانه های ایرانی، اما در عین حال او با افزودن جزئیات و با آفرینش فضاهای جدید گروه سنی افسانه را نیز که کودکان مخاطب آنند، بالا برده و روایتش مناسب با نوجوانان است. نویسنده در زبان رمانش از نثری توضیحی و گاه نصیحت گر و نزدیک به زبان رسمی مورد توجه بزرگسالان سود می جوید که این می تواند از جذابیت کار بکاهد، به خصوص که شخصیت ها، هم در افسانه اصلی و هم در این روایت، فاقد جنبه های شیفتت آمیزی اند که مورد توجه نوجوانان است.

تصحیح یک خبر

ساسان پیروز، محقق گروه تئاتر لوبخشی از آمار ارائه شده در گزارش «میهمانخانه‌ای به نام تئاتر شهر» را که روز گذشته در اعتماد ملی آمده است، اینگونه اصلاح کرد: در حال حاضر درصد فروش بلیت در تئاتر شهر تا ۲۴ درصد کاهش پیدا کرده و درصد میهمانان که بلیتی برای دیدن آثار نمایشی نمی خرند تا ۷۴ درصد افزایش یافته است.

آیا طرح اکران فیلم‌های فرهنگی ره به جایی می‌برد؟

سهم فیلم‌های فرهنگی از گیشه: ۶ سینما

■ پرویز براتی ■

نمایی از جزیره آهنی ساخته محمد رسول اف

لیلا حاتمی در نمایی از فیلم شاعر زیاله ها

طرح اکران ویژه فیلم های فرهنگی با انتخاب ۶ سینما وارد مرحله تازه‌ای شد. این طرح که مدیرکل اداره نظارت و ارزشیابی وزارت ارشاد پیش از این نوید اجرای آن را در تیرماه داده بود، گویا قرار است در سینماهای عصر جدید ۳، فلسطین ۲، جی ۲، مرکزی ۵، سیمده ۲ و ایران ۲ به اجرا درآید. همچنین آن طور که خبرگزاری فارس گزارش داده، سینما مرکزی بعد از تلفیق با سینما شهر تماشاقرار است به ۵ سالن تبدیل شود و سالن شماره ۵ آن به اکران فیلم های فرهنگی اختصاص یابد. با این حال همچنان ابهاماتی به این طرح وارد است و خصوصا بعد از طرح ناموفق «آسمان باز» سینماگران فعال در حوزه فیلم های موسوم فرهنگی سعی می کنند با احتیاط با این طرح برخورد کنند.

تنها ۶ سینما

طرح ۲۵۰ روزه وزارت ارشاد برای سینمایی که امکان اکران عمومی را پیدا می کند، مدتی است که در لابه لای اظهارات مسوولان معاونت سینمایی این وزارتخانه به چشم می خورد. آن طور که از صحبت های مسوولان مربوطه برمی آید، قرار است در طی این طرح یا جشنواره موسوم به فیلم های فرهنگی، فیلم هایی به نمایش درآیند که جایگاهی در گیشه سینمای تجاری ندارند و تهیه کنندگان «با احتیاط» به طرف آنها می روند. آن طور که هر قدر بیشتر مخاطبان را دسته بندی کنیم به ابتذال هرچه بیشتر سینمای تجاری کمک کرده ایم.» رسول اف می افزاید: «باید مسوولان فرهنگ به سینما به عنوان مقوله‌ای صرفا تفریحی نگاه کنند چرا که این امر تماشاگر را به سمت سینمای پیش پا افتاده سوق می دهد.» به اعتقاد این کارگردان دولت باید پای خود را از دخالت در نمایش فیلم ها کنار کشیده و میدان را به سینماگران و فعالان این عرصه بدهد. او که در دولت هشتم پروانه نمایش فیلم «جزیره آهنی» را دریافت کرده بود، این روزها ناامید از پاسخ صریح و قطعی (علیرضا امینی)، بیدار شو آرزو (کیانوش عیاری)، سفره ایرانی (کیانوش عیاری)، صبحی دیگر (ناصر رفایی)، کارگران مشغول کارند (مانی حقیقی)، عیسی می آید (علی ژکان)، شبانه (کیوان علی محمدی و امید بنکدار)، یادداشت بر زمین (علی محمد قاسمی)، از دور دست (رامین محسنی)، باد ما را خواهد برد (عباس کیارستمی)، ساکنین سرزمین سکوت (سامان سالور)، شاعر زیاله ها (محمد احمدی) و بابا عزیز (ناصر خمیر) به عنوان فیلم هایی اعلام شده بود که در گروه فیلم های فرهنگی می گنجند.

دسته‌بندی مخاطبان، سینما را به ابتذال می کشد

اما مساله تقسیم بندی سینما به «فرهنگی» و «تجاری» از جمله مسائل مناقشه برانگیز و مورد اختلاف کارگردانان است؛ چرا که مطابق با تعریف موجود از سینمای فرهنگی، این سینما نباید جایگاهی در میان مردم داشته باشد و قشری خاص و معدود را راضی کند در حالی که سینماگران فعال در این حوزه نگاه دیگری دارند. محمد رسول اف کارگردان فیلم «جزیره آهنی» که فیلم آن بعد از گذشت ۲ سال از دریافت مجوز اکران هنوز روی پرده نرفته، در این باره می گوید: «من اصولا قائل به این تقسیم‌بندی ها و تعریف سینما به سینمای فرهنگی و تجاری نیستم و سینمای فرهنگی و غیرفرهنگی معنایی ندارد، چرا که هر قدر بیشتر مخاطبان را دسته بندی کنیم به ابتذال هرچه بیشتر سینمای تجاری کمک کرده ایم.» رسول اف می افزاید: «باید مسوولان فرهنگ به سینما به عنوان مقوله‌ای صرفا تفریحی نگاه کنند چرا که این امر تماشاگر را به سمت سینمای پیش پا افتاده سوق می دهد.» به اعتقاد این کارگردان دولت باید پای خود را از دخالت در نمایش فیلم ها کنار کشیده و میدان را به سینماگران و فعالان این عرصه بدهد. او که در دولت هشتم پروانه نمایش فیلم «جزیره آهنی» را دریافت کرده بود، این روزها ناامید از پاسخ صریح و قطعی دست اندرکاران سینمایی نسبت به اکران فیلم خود است.

ابوالفضل جلیلی: مساله اکران برایم جذابیتی ندارد

ابوالفضل جلیلی از جمله کارگردانانی است که «گل یا پوچ» او به خیل فیلم های فرهنگی پیوسته است. او در مورد این فیلم می گوید: «مساله عدم اکران این فیلم مربوط به دو و نیم سال پیش همزمان با روی کار آمدن دولت نهم است، هرچند باید بگویم فیلم های من ۲۵ سال است که با مشکل در اکران مواجه هستند.» او مساله اکران فیلم های خاص را موضوعی فاقد جذابیت برای خود عنوان و اضافه می کند: «خودم گفته‌ام فیلم هایم را پخش نکنند. برای من اکران فیلم علی السویه است.» کارگردان «حافظ» در مورد دلیل وجود فضای حاکم بر سینمای کشور می گوید: «مساله اینجاست که سینماهم از بعد شرعی دیده می شود هم از بعد اجتماعی. از بعد شرعی هر کسی می تواند به سینما معترض باشد. از این رو در سینما نمی توان با این دو نگاه مختلف به جمع بندی رسید.» او معتقد است اگر قرار است اتفاقی در سینمای ایران بیفتد این اتفاق در ساحت بیننده و نه فیلم باید بیفتد. جلیلی صراحتا اعلام می کند با اینکه ساخت فیلم «حافظ» به اتمام رسیده ولی قصد ندارد آن را اکران کند.

ما تیزر می خواهیم!

از جمله ابهامات پیش روی طرح اکران فیلم های فرهنگی مساله چگونگی حمایت از این فیلم ها در زمان اکران آنهاست. حتی اگر فیلمی در شش سینمای اعلام شده به نمایش درآید باز این پرسش را باقی می گذارد که آیا ضمانتی برای فروش آن در همان سطح محدود وجود دارد؟

محمد احمدی که با «شاعر زیاله ها» به خیل سینماگران محروم از اکران پیوسته می گوید: «چون این طرح هنوز قطعی نشده نمی توان زیاد به آن امید بست، زیرا مهم این است که از فیلم های فرهنگی حمایت شود و ضمانتی برای تبلیغات آنها وجود داشته باشد.» احمدی در مورد ضرورت انجام تبلیغات برای فیلم های خاص اضافه می کند: «با اینکه ساخت این نوع فیلم ها از لحاظ هزینه مقرون به صرفه است، با این حال پخش کنندگان رغبتی به سرمایه گذاری روی آنها ندارند. به نظرم وزارت ارشاد تلویزیون باید دست به دست هم بدهند و هزینه تیزرها را پایین بیاورند و امکان تبلیغ فیلم های فرهنگی را فراهم کنند.» این فیلمساز که منتظر اکران شاعر زیاله هاست پیش تولید فیلمی را آغاز کرده که عنوان موقت آن «چگونه ارکستر هماهنگ می شود» است و تا این لحظه حمید فرخ نژاد به عنوان بازیگر نقش اول آن انتخاب شده است.

این فیلم فرهنگی است یا تجاری؟

از دیگر مسائل مورد اختلاف سینماگران فیلم های خاص و مسوولان سینمایی، تعریف فیلم های فرهنگی است. سینماگرانی که نامشان در این گزارش به عنوان سازندگان فیلم های فرهنگی و خاص ذکر شد، اتفاقا برخلاف صحبت های رایج فروش و استقبال خوبی را برای فیلم های خودشان قائل هستند و معتقدند این فیلم ها می توانند با مردم ارتباط برقرار کنند. فیلم «یک شب» ساخته نیکی کریمی از جمله این فیلم هاست که هرچند در فهرست فیلم های فرهنگی نیامده، اما تهیه کننده اش به اقبال عمومی آن امیدوار است. سیروس تسلیمی می گوید: «اتفاقا فیلم های فرهنگی می توانند مخاطب عام را به دنبال خود بکشاند. من معتقدم اتفاقی که در گیشه برای «دختری با کشف های کتانی» افتاد برای فیلم «یک شب» هم می افتد. تسلیمی در مورد دلیل عقب افتادن اکران «یک شب» می افزاید: «تمام سینماهایی که با آنها قرار گذاشته بودیم در گروه فرهنگی رفتند و عملا نتوانستیم این فیلم را اکران کنیم.» این تهیه کننده در عین حال تعیین زمان نهایی اکران «یک شب» را منوط به بازگشت نیکی کریمی از جشنواره دوربان آفریقای جنوبی دانست و تصریح کرد که این فیلم را در گروه فیلم های فرهنگی اکران نخواهد کرد.

در چهارمین جلسه از زیبایی شناسی شهر بررسی شد

کلاژ های عکس و نقاشی ثمیلا امیرابرهیمی

ثمیلا امیرابراهیمی باور دارد که «بحث فضا برای معمار و شهرساز بسیار متفاوت تر از آنی است که برای یک نقاش هست». معمار دید سه بعدی خود را بر روی صفحه می آورد و می داند که این سه بعدی باید در جهان واقع هم اتفاق بیفتد. «ولی برای نقاش چنین نیست. نقاش اصلا ملزم نیست که فضای ساخته شده روی بوم را بعد ها مادیت ببخشد» و به همین خاطر است که نقاش دستی آزاد و فضایی وسیع برای تصویر تخیل و خواست های خود دارد. وقتی ثمیلا امیرابراهیمی این نکته را می گوید یاد استادان معماری می افتیم که در درد برخی از طرح می گویند «این نقاشی است نه معماری»، یعنی که زیباست شاید، ولی امکان تحقق و ساخته شدنش در جهان مادی وجود ندارد. ثمیلا امیرابراهیمی در سخنانش به این موضوع تاکید دارد که خلق فضا فقط مختص نقاشان و معماران نیست، نویسندگان و هنرمندان دیگر نیز چنین می کنند که در ایران ما، کارهای استاد از دست رفته، احمد محمود، سرشار از فضاهای شهری است در قالب توصیف و منظر.

کارهای نقاش، با مجموعه «فضاهای داخل» شروع می شود که بقول خود او مربوط به دوره‌ای است که صاحب خانه مستقل خودش شده است. از سال ۶۷ به بعد. یادآوری می کند که طراحی از فضای داخل رسم غالب نقاشان است از مانیس گرفته تا پیکاسو. استدلال روشنی هم دارد: «وقتی شما کنجی در خانه تان می سازید برای خودتان، معمولا بخشی از شخصیتتان را هم در آنجا می کارید». پس طبیعی است که برای روایت خود، این فضا را طراحی کنید. امیرابراهیمی وقتی مجموعه «زمین سوخته» را معرفی می کند که نقاشی های حاصل از سفر سال های ۷۲ و ۷۳ به خوزستان است، اذعان می کند «در این سفر فهمیدم تمام نقاشی هایی که تا آن موقع (با سوژه جنگ) داشتم، همه بیهوده بود.» یکی از زیباترین کارهایی که در این مجموعه هست، تصویر دکل نفتی شکسته و افتاده است؛ «انگار انسانی است که کمرش را خرد کرده اند». خانم ثمیلا امیر ابراهیمی، مجموعه «شب و سایه» را با سوژه شب های تهران کشیده است که آخرین قطعه اش «تهران» است. نام اول این تابلو، ظاهرا، «بانوی ما، تهران» نام داشته که نقاش برای اینکه «زیاد سوزناک نشود» خلاصه اش کرده و شده «تهران». چهره‌ای غمبار و زجرکش از زندگی که تهران است. بیچاره تهران!

کلاژهای آخر امیرابراهیمی با بن مایه عکس هایی که از شهر سوخته زاهدان گرفته، شکل گرفته اند. هرچند که عکس هایی از تهران مکمل اینها شده اند تا نقاش نقبی بزند «به هزارتوهای خود و جامعه اش.

هزارتوی بورخس!

سعید بهروزی کارهای امیرابراهیمی را «فوق العاده پیچیده، زیبا و قوی» دانست و تاکید نمود که «ایجاد چنین برسپکتیو هایی روی کاغذ دوبعدی، بی نهایت نیازمند تجربه، کار، تنظیم و زحمت است». اینها تصاویری عمیق هستند که «می توانید بچسبانیدشان به سقف و ببینیدشان یا روی دیوار روبه رو و یا حتی وارونه». سعید بهروزی از امیرابراهیمی خواست که در کنار نمایشگاه نقاشی، نمایشگاهی نیز بگذارد از عکس های خود.

دکتر علی اکبر صارمی، اشاره بسیار زیبایی به چند میدان شاخص تهران نمود و آنها را هم «کلاژ»هایی دانست در قواره بوم شهر. او گفت، کلاژهای خانم امیرابراهیمی زیبا هستند و می توانند انگیزشی برای بهتر دیدن کلاژهای واقعی در شهر باشند.

اعتماد ملی- بهروز مرباغی: «انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز» و «جامعه مهندسان معمار ایران» با همکاری «خانه هنرمندان»، «فصلنامه اندیشه ایرانشهر» و «فصلنامه جستارهای شهری»، چهارمین جلسه (ماهانه) از سلسله جلسات زیبایی شناسی شهر را، روز دوشنبه در تالار ناصری خانه هنرمندان برگزار نمود. این جلسه اختصاص داشت به «بازتاب فضای شهری در نقاشی و عکاسی» که در آن کلاژهای عکس و نقاشی «ثمیلا امیرابراهیمی» معرفی و بررسی شد. دکتر جواد مهدی زاده، جامعه شناس و پژوهشگر شهری، مسوول پانل و دکتر علی اکبر صارمی، معمار و شهرساز و سعید بهروزی عکاس که بیشترین عمر کاری اش در آن سوی مرزها بوده است، دو عضو پانل بودند.

نقاش چه می گوید؟

ثمیلا امیر ابراهیمی، نقاش است. سال هاست که نقاش است! ولی به قول خودش «تازه تازه به مفهوم فضا دست پیدا کرده است». اینچنین نیست که هرکس که قلم و رنگ بر بوم گذاشت، از همان آغاز فضا را «درک می کند». نه؛ و به همین خاطر هم هست که معتقد است باید «رشته ها و فضاهای فعالیتی یک شهر را» به هم پیوند داد «و فعالیت بشری شهر را به صورت یگانه و یکجا دید».

روزانه

سینما: کار ساخت یک مجموعه تلویزیونی به نام «بین النهرین» که به زندگی خصوص «صدام» دیکتاتور عراق می پردازد، به زودی آغاز می شود. گفته شده، شهره آغداشلو یک بازیگر ایرانی مقیم خارج از کشور نیز که با فیلم «خانه‌ای از شن و مه» و نامزدی اسکار، مشهور شد، در این مجموعه تلویزیونی در نقش «ازن صدام» دیکتاتور معدوم عراق ظاهر می شود.

●یک فیلم آمریکایی درباره تجاوزات نظامی ژاپن به چین و قتل عام شهروندان چینی در جنگ جهانی دوم از هفته آینده در چین به نمایش درمی آید.

●جابر قاسمعلی فیلمنامه «تلفن همراه رئیس جمهور» را با مضمونی کاملا تئوراتیسم آماده ساخت می کند.

●«۵۰ سنت» - خواننده رپ آمریکایی - به عنوان آخرین بازیگر به جمع نقش آفرینان پروژه «کشتن عادلانه» با بازی «آل پاچینو» و «رابرت دنیرو» پیوست.

تجسمی: نمایشگاه نقاشان معاصر فلسطین که از دهم خرداد در اصفهان برگزار شده بود به کار خود پایان داد.

تئاتر: اعضای خانه تئاتر ایران در جمعی دوستانه، هشتادوسومین سال تولد عزت ا... انتظامی «آقای بازیگر» را جشن گرفتند.

●نمایش «خانه عروسک» اثر «هنریک ایبسن» با کارگردانی و ترجمه ساناز بیان طی اجرا در جشنواره تئاتر بلغارستان با استقبال تماشاگران مواجه شد.

●دومین جایزه ادبیات نمایشی ایران با عنوان «جایزه ادبیات نمایشی اکبر رادی» برگزار می شود. طبق اعلام برگزارکنندگان مراسم، معرفی برگزیدگان دومین دوره مسابقه ادبیات نمایشی ایران نیمه دوم شهریور سال جاری برگزار می شود. این مسابقه توسط کانون نمایشنامه نویسان خانه تئاتر با حمایت اداره کل هنرهای نمایشی و شهرداری برپا می شود.

●بازبینی آثار پذیرفته شده در مرحله بازخوانی سومین دوره نمایشنامه خوانی تالار مولوی از دیروز آغاز شد.

ادبیات: دومین روز بزرگداشت عبدالباقی گولپینارلی - مولوی پژوه ترکیه‌ای - به مناسبت هشتصدمین سال تولد مولانا در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد.

●مراسم گرامیداشت هشتصدمین سال تولد مولانا جلال الدین - شاعر بزرگ ایرانی - در میان استقبال چشم گیر مسلمانان و غیرمسلمانان در نیویورک برگزار شد.

● علی عبداللهی سومین مجموعه شعر خود را برای چاپ آماده می کند. شعرهای این مجموعه، سروده های سال ۸۱ به بعد عبداللهی هستند.

● کاظم سادات اشکوری یکی از معضلات نویسندگان امروز را ناآشنایی با افسانه ها و مثل های ایرانی دانست.

● رحیم المالکی - شاعر عراقی - شامگاه گذشته بر اثر انفجار هتلی در شهر بغداد کشته شد.

● کتابی از «ریونوسوکه آکوتاگاوا» معروف به پدر داستان کوتاه ژاپن در آمریکا پرفروش شد.

● رمان «کاریتناریا» نوشته الکسیس رایت که داستانی تخیلی و فانتزی است جایزه ادبی ۳۸ هزار دلاری فرانکلین استرالیا را از آن خود کرد.

موسیقی: موسیقی فیلم «زیر تیغ»، جدیدترین ساخته حسین علیزاده از سوی موسسه ماهور منتشر شد.

گپ

با حامد بهداد، بازیگر روز سوم

بازیگری‌ام رو به پیشرفت است

■ رضا آشفته ■

این روزها در سینماهای تهران شاهد بازی حامد بهداد در نقش یک سرباز عراقی در فیلم روز سوم به کارگردانی محمدحسین لطیفی هستیم. این بازیگر که ۶ آبان ۱۳۵۲ در مشهد متولد شده و دارای مدرک لیسانس است، تاکنون در ۱۰ فیلم به نام های آدم (۸۵)، روز سوم (۸۵)، عروس کوهستان (۸۵)، باغ فردوس، پنج بعد از ظهر (۸۴)، رقص با ماه (۸۴)، صحنه جرم، ورود ممنوع! (۸۴)، کافه ستاره (۸۳)، بوتیک (۸۲)، این زن حرف نمی زند (۸۱) و آخر بازی (۷۹) بازی کرده است.

این بازیگر در نشست مطبوعاتی فیلم روز سوم درباره بازی در نقش افسر عراقی گفته است: موقعی که من بازی می کنم، هیچگاه سر صحنه دیالوگ حفظ نمی کنم یا سعی نمی کنم یک میزانسن را به صورت خشک اجرا کنم بلکه در آن صحنه مثل یک آدم عادی زندگی می کنم، راه می روم و خود واقعی ام را در فیلم جاری می کنم.

«روز سوم» و بازی در نقش افسر عراقی باعث شد تا به سراغ حامد بهداد برویم و با او گپ بزنیم.

درباره چگونگی انتخاب شما برای بازی در فیلم روز سوم بگویید.

غیرمتعارف بود، یکباره این اتفاق افتاد و من برای این فیلم انتخاب شدم.

چه پروسه‌ای را برای رسیدن به نقش خود طی کردید؟

در محیط قرار گرفتم و رفته رفته به نقش رسیدم.

ارتباط با محمدحسین لطیفی، کارگردان روز سوم چگونه بود؟

عالی بود. او مردی مهربان است و با سعه صدر فضا را در اختیار بازیگر قرار می دهد.

کارگردان تا چه حد در رسیدن به نقش موثر بود؟

خیلی زیاد.

فیلمنامه در این نقش آفرینی چقدر تاثیر داشت؟

با آنکه اصل، قصه است اما بیشتر از فیلمنامه، کارگردان در نقش آفرینی من موثر بوده است.

در هنگام تصویربرداری ارتباط شما با دیگر بازیگرها برای نقش آفرینی و رسیدن و پرداختن به قصه فیلم چگونه بود؟

عالی بود. ما در ارتباطی سازنده و خیلی خوب توانستیم وارد بازی شویم. آنها به نوبه خود به من خیلی کمک کردند، تا من هم خیلی خوب از عهده نقش آفرینی ام برآیم.

نقش مثبت و منفی در شکل گیری شخصیت بازیگر تا چه حد تاثیرگذار است؟

هیچی.

بیشتر دوست دارید که چه نوع نقش هایی را بازی کنید؟

همین نقش افسر عراقی. این نقش ها غیرمعمول است و بازیگر را به چالش برای نقش آفرینی می خواند.

چند هفته‌ای از اکران روز سوم می گذرد، با توجه به بازتاب این فیلم از نقش خود در این اثر تا چه حد رضایت خاطر دارید؟

خیلی راضی هستم.

این فیلم نسبت به کارهای قبلی تان چه نکته‌ای را برای شما روشن می کند؟

فکر می کنم بازی ام رو به پیشرفت است.

الان چه کار می کنید؟

استراحت.

کارهای بعدیتان مشخص است؟

نه!

تازه‌ها

اعلام شرایط و زمان ثبت نام در هنرستان

اعتماد ملی: زمان و شرایط ثبت نام هنرستان های هنرهای زیبای دولتی از سوی دفتر آموزش و توسعه فعالیت های هنری اعلام شد. به گزارش روابط عمومی دفتر آموزش ، با توجه به استقبال و افزایش هر ساله متقاضی تحصیل در رشته های هنری هنرستان های هنری زیبای کشور از امسال نحوه ثبت نام به صورت همزمان و سراسری خواهد بود. این اقدام به دلیل قدمت و شهرت و اعتباری که این هنرستان ها دارند انجام می گیرد.

محمود شالویی مدیرکل دفتر آموزش و توسعه فعالیت های هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن بیان این مطلب افزود، هنرستان های هنرهای زیبا از قدمتی نزدیک به یک قرن فعالیت برخوردار هستند و جمعی از سرشناس ترین هنرمندان طراز اول کشور هنرآموخته و هنرآموز این مراکز به شمار می روند. وی گفت: آزمون ورودی و سراسری در تاریخ ۱۵ مرداد سال جاری به صورت همزمان در سراسر کشور برگزار می گردد و علاقه مندان به تحصیل در رشته های صنایع دستی، نمایش، سینما، موسیقی، نقاشی و گرافیک می توانند از چهارم لغایت دهم مرداد با مراجعه به هنرستان ها و یا ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی سراسر کشور جهت ثبت نام در این آزمون اقدام نمایند.

شماره تماس سرویس ادب و هنر
۸۸۳۲۲۹۱۴